



تشخیص فلسفی نقض حقوق بشری در افغانستان – تجویز یست پایدار بر نظام آینده

(تحلیل چارچوبی به مناسب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

عدالت اجتماعی گم گشته و کیمیای است که آرزوی چند نسل در افغانستان بوده، تشخیص و آسیب شناسی پدیده های نقض حقوق بشری، تجویز صوری و نامتعادل با ارزش جامعه کشوری را در پی داشته که مولفه های حقوق بشری و مردم سالاری در افکار عمومی کنونی در کشور چنان اذعان شده که اگر موارد در قوانین موضوعه متجلی شود در واقع راه بسوی دین گریزی باز شده است و یا اینکه استنتاج جمهوریت را از حکومت های مافیایی بین ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ می نمایند و طرف دیگری اندیشمندان و صاحب قلم های نیز هستند که از سرگوپ ها و نقض حقوق بشری توسط حکومت های دینی مثل جمهوری اسلامی ایران یا گروه طالبان که صورت می گیرد استنتاج دین ستیزی می کنند در حقیقت دین ستیزی و دین زدگی افراطی هر دو در تضاد با حقوق بنیادین بشر است از اینجاست که آزادی ادیان یکی از مولفه های دموکراسی به شمار می روند و گروه دیگری که تقسیم بندی چون آزادی های غربی و شرقی می کند بخاطر داشت سرشت انسان و آزادی از دو جوهر روح و عقل انسان عینیت یافته که نباید جهان زیستی که در حقوق بین المللی فرهنگی قابل دفاع است با سرشت آزادی خلط کرد. ضرورت که اکنون دیده می شود اینست که برای نظام آینده برحسب عدالت اجتماعی باید متمرکز تسوید یا پیش نویس بود که از گذر ارزش های جامعه عبور کرده مظهر اراده مردم گردد هر چند قانون اساسی ۱۳۸۲ در مواردی تعدیل احساس می شد ولی می توان متن و اصول حاکم بر قانون را بهتر قانون اساسی در منطقه گفت ولی قانون اساسی گرای یا حاکمیت قانون در طی بیست هر سال سیر نزولی داشت باید اذعان کرد اعلامیه حقوق بشری ۱۷۸۹ فرانسه در ماده ۱۶ اشاره می دارد: که مظهر اراده مردم یا متن قوانین اساسی که در آن حقوق بنیادین و تفکیک قوا نباشد قانون اساسی نیست – مترادف آن اعلامیه حقوق بشری ۱۹۴۸ خودآگاهی مردم را از حقوق بنیادین شان تکلیف همیشگی دولت به رعایت حقوق بشری می داند عدم این آگاهی و یا در سیر بودن این آگاهی بسوی حالت مطلوب از عدم متوازن توسعه انسانی که وجه ملت سازی نیز گفته می شود قانون اساسی ۱۳۸۲ را چنین مرده کرده بود زیرا این خصائص و ارزش های درون جامعه ای است در اثر قرارداد اجتماعی دولت را مؤسس می کنند یعنی دولت مخلوق از قانون اساسی است نه همچون حکومت پسا ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ که از قوانین استفاده ابزاری در برابر یکدیگر در حکومت وحدت ملی می شد و تضعیف نظام از این مجرا و فروپاشی آن حالت بحران کنونی است اگر بحران کنونی مدیریت نشود فاجعه همچون سوریه شدن افغانستان بعید نیست. افغانستان از اولین کشورهای بود که در ۱۹۴۸ به اعلامیه جهانی حقوق بشر الحاق شد که اکنون بعد از ۷۵ سال یکی از کشورهای که بیشترین نقض حقوق بشری در این کشور صورت می گیرد.

یادآوری: از اینکه اعلامیه های حقوق بشری در تضاد با ارزشی عقیدتی نبوده بنده با منابع دست اول اسلامی اعلام مناظره رسانه ای با گروه که حکومت را در دست دارد می کند و از دیوان عرفانی خویش فتح مکه یا فتح القلوب که نمایان گر والای اخلاق اسلامی است در نظم ضمیمه می باشد.

رهبری دل برای مقصد دل!
صد سلام و لک سلام بر سیرتش
انس و جن باشند طقیل قامتش
جوهر دل ز سده نور شود
کز سیرتش هر دم حال دمد
فتح مکه چو بی نیزه و شمشیر شد
رحمت حق شامل عام و خاص شد
أم معاویه چو شد خبر
زردی خوف بزخ سربسر
چاره بیچاره در جان بی بال
هر طرف می تافت بی مال
قفل و زنجیر بر در و دیوار زد
بیم بی انتها کز انتقام کرد
گفت ابو سفیانش حرف چنین
بر در و دیوار چرا کردی این
آن ابو سفیان که تازه صاحب دل
ارمغانش از معدن دل بر دل
فتح محمد بر در و دیوار نیست
جز در دل مقصدش زنهار نیست
سعی بیجا مکن لاخوف باش
در پناه فیضش دل شاد باش
تیر او بر حریم دل رسد
قصد دل بر مقصدش میرسد
من چه گویم وصف والای او
خود خدا گوید ثنا او

بیدلان را صاحب دلی رسید
دوستداری عفویش بر شهود دمید
زخون حمزه و یاران گذشت
صید اخلاقش ز تیزی شمشیرها گذشت
هند جگر خور بود مومنه شد
صدر اسلام گشت فاخره شد
جوهریست که نامش دل کنند
ز دو عالم خاصه آدم کنند
جوهری بر کرمنای بنی ادمست
دم به دم سویی کس کاروان هاست
چشم دل لایق دیدار شد
مستفید حق از برای حق شد
خجل و شرمسار و صفش فقیری
بیدلست و می کند با دلدار همدلی



محمد آصف فقیری

پژوهشگر علوم سیاسی و مطالعات فلسفه و عرفانی اسلام